

راهبردی نو برای همگرایی اسلامی است



همزمان با ۱۹ مهر، سالروز تأسیس مجمع تقریب مذاهب، بازنگری در راهبردهای وحدت یک ضرورت است؛ «تفسیر تقریبی» با زدودن غرابت از باورهای اختلافی و اثبات معقولیت آن‌ها، بدون تنازل از اصول، بستر واقعی همگرایی اسلامی را فراهم می‌سازد.

امروزه کمتر کسی را می‌شناسیم که با وحدت اسلامی یا تقریب مذاهب، اختلاف اصولی داشته باشد. به نظر می‌رسد که بسیاری از مخالفان وحدت یا تقریب، در اصل این کار و در ضرورت آن تردیدی ندارند. مخالفت‌ها یا تردیدها عمدتاً معطوف به برخی بانیان و مروجان تقریب یا برخی از گفتارها و رفتارهای تقریبی است. به عبارت دیگر، اعتراضات و نگرانی‌ها عمدتاً متوجه مصادیق و تطبیقات تقریب است. با اینکه به نظر می‌رسد که وحدت و تقریب رونق پیشین خود را به‌ویژه در دهه ۱۳۳۰ شمسی و در دو سه دهه پس از پیروزی انقلاب اسلامی از دست داده، با این‌همه، کمتر شاهد شک و تشکیک در اصل وحدت و تقریب هستیم، هرچند هیچگاه التزام عملی، که نیازمند دخالت مؤثر قدرت سیاسی و دینی، و نیز تربیت دینی و تقریبی، در کنار فرهنگ‌سازی و زیرساخت‌های فکری است، هیچگاه، در حد کافی و بلکه در حد لازم نبوده است.

ضرورت وحدت (دست‌کم: همزیستی مسالمت‌آمیز) و تقریب (تلاش برای کم‌کردن اختلافات فکری مذهبی)، علاوه بر مبانی و دلایلی از قرآن کریم، روایات و سیر عملی معصومان علیهم‌السلام، به دلائل عقلی و عقلانی نیز مستظهر است: آی تمسک به ریسمان الهی و نهی از تفرقه (آل عمران/ ۱۰۳)، پرهیز حضرت هارون علیه‌السلام از نقش‌آفرینی در تفرقه (آن تقول فرقت بین بنی اسرائیل: مباد که بگویی بین بنی‌اسرائیل، تفرقه انداختی! طه/ ۴) و مفهوم قرآنی امت واحده (انبیاء/ ۹۲؛ مؤمنون/ ۵۲) و روایاتی از قبیل سفارش امام عسکری علیه‌السلام به شیعیان (مَلَّوْا فِی عَشَائِرِهِمْ ، وَ اَشْهَدُوا جَنَائِزَهُمْ ، وَ اَعُوذُوا بِمَرْضَاهُمْ ، وَ اَدُّوا حُقُوقَهُمْ ، فَإِنَّ الرَّجُلَ مِنْكُمْ إِذَا وَرَعَ فِی دِینِهِ وَ صَدَقَ فِی حَدِيثِهِ وَ اَدَّى الْأَمَانَهَ وَ حَسَّنَ خُلُقَهُ مَعَ النَّاسِ قِيلَ: هَذَا شِيعِيٌّ ، فَیَسُرُّ نِیْ ذَٰلِكَ . اَتَّقُوا اللَّهَ وَ كُونُوا زَيْنًا وَ لَا تَكُونُوا شَيْنًا ، جُرُّوا إِلَيْنَا كُلَّ مَوَدَّةٍ وَ اَدْفَعُوا عَنَّا كُلَّ قَبِيحٍ: در جمع عشائر آنها، نماز بگذارید، در تشییع جناز آنها حاضر شوید، از بیمارانشان، عیادت کنید، حقوق ایشان را ادا کنید، زیرا یکی از شما، آنگاه که در دین خودش، پرهیزگار باشد و راستی را پیشه کند و امانت را رعایت کند و رفتارش با مردم، نیکو باشد، گفته خواهد شد که او شیعی است و این مرا شادمان می‌کند. تقوا پیشه کنید و زیب و زیور ما باشید و مای ننگ و عیب ما نباشید. هم دوستی‌ها را به‌سوی ما جلب کنید و هم زشتی‌ها را از ما دفع کنید.

تحف العقول، صفحه ۴۸۷ و رک: سفینه البحار، ج ۲، ص ۳۶۰، از پیامبر اکرم (ص) نقل شده است: إلزموا السواد فإن یداً مع الجماعة و إیاکم والفُرقة فإن الشاذ من الانسان للشیطان کما أن الشاذ من الغنم للذئب؛ با تود مردم باشید، که دست خدا با جماعت است و از تفرقه بپرهیزید، که تنهامانده از مردم، نصیب شیطان می‌شود، همان‌طور که تنهامانده از گله گوسفندان، نصیب گرگ می‌گردد). سیر امامان شیعه کاملاً گویاست (رک: علی آقا نوری، امامان شیعه و وحدت اسلامی، انتشارات دانشگاه ادیان، قم، ۱۳۸۷ش) و نیز حکم عقل به لزوم انسجام در برابر دشمنان و بدخواهان مشترک، لزوم پرهیز از منازعه و دشمنی، که مای تضعیف هم‌اطراف می‌شود و تقدم و اولویت اشتراکات بر اختلافات و امکان تداوم حیات تنها در صورت تمرکز بر مبانی، مواضع و منافع مشترک.

راهبردهای تقریب

درکنار دو راهبرد یا مرحله تقریب، که یکی ناظر به اشتراکات و تثبیت و توسعه آنهاست و دیگری معطوف به اختلافات و اختصاصات، و معزور دانستن همدیگر در این موارد، می‌توان راهبرد یا مرحله سوم را افزود و آن، تبیین و تفسیر تقریبی از مواضع اختلافی و اختصاصی است. تبیین و تفسیر به دو گونه، قابل تصویر است: در بخشی از اختلافات، با تفسیر دقیق و عالمانه، می‌توان نشان داد که به‌واقع، اختلافی

درکار نیست و آنچه اختصاصی تلقی شده، اشتراکی است (بین هم) مسلمانان یا بین شیعه و برخی مذاهب اسلامی) یا حداکثر، اختلاف در حدّ لفظ و تعبیر است (چنانچه مثلاً شیخ مفید در بحث بداء، اختلاف بین شیعه و سنی را فقط در لفظ بداء می‌داند؛ و أقول فی البداء ما یقولہ المسلمون بأجمعهم فی النسخ و أمثاله من الإفکار بعد الإغناء...و لیس بینی و بین کافه المسلمین فی هذا الباب خلاف و إنما خالف من خالفهم فی اللفظ دون ماسواه: من در خصوص بداء، همانی را می‌گویم که هم مسلمانان در باب نسخ و مانند آن می‌گویند که خدا آدمی را بعد از فقر، به غنا می‌رساند و... و بین من و دیگر مسلمانان در این باب، اختلافی نیست، مگر در لفظ، و نه در جز آن، اوائل المقالات، ص ۳۰، تحقیق مهدی محقق، چاپ مؤسسه مطالعات اسلامی، تهران و مکمل گیل، ۱۳۷۲ش). این، گونه‌ای از تفسیر با هدف بسط مشترکات است.

گونه دومی از تفسیر را می‌توان مطرح کرد که دغدغه این نوشته و نویسندگان آن است و آن ارائه تفاسیری از اختلافات و اختصاصات، نه به منظور تقلیل اختلافات، بلکه با هدف کاستن یا زدودن غرابت و شذوذ و به تعبیر دیگر، نشان دادن مشروعیت (و معقولیت) آن است. به بیان دیگر، در مواردی، اختلاف آنچنان جدی است که به هیچ وجه، نمی‌توان اختلاف را به اشتراک برگرداند یا به اختلاف لفظی تقلیل داد. در این موارد، حداقل، می‌توان در میان تفسیرهای مطرح و متصور، تفسیری را برجسته کرد که اگر مقبول مخالفان مذهبی نمی‌افتد، اما به نظر آنها غریب ننماید و از معقولیت (یعنی عقل‌ستیز نبودن) و مشروعیت (مثل همانند داشتن در سنت دینی عموم مسلمانان)، برخوردار است. این نوع تفاسیر به واقع، گامی مهم در مسیر تقریب ذهنی و فکری میان مسلمانان است که راه را بر اسناد کفر یا بدعت یا غلو و مانند آنها می‌بندد.

در تفکر شیعی و در سیر متشیعه، موارد متعددی وجود دارد که به دلیل خوب تبیین نشدن یا سوء برداشت (و گاه سوء نیت برخی)، شیعه به کفر یا بدعت یا غلو، متهم شده است. برخی از این موارد در حدّ اتهام، و قابل سلب هستند، اما برخی از آنها، مستطهر به شواهدی از درون مذهب و متکی به تفاسیر رائج در نزد عالمان شیعه یا تلقی‌های عمومی در نزد عموم شیعیان است. پیشنهاد ما در این موارد اخیر (که در اختیار مخالف مذهبی، مستمسکی قابل اعتنا، برای اسناد دیدگاهی به تشیع یا به تود شیعیان قرار می‌دهد)، برجسته کردن برخی تفسیرهای شیعی است که گرچه مقبول مخالف قرار نمی‌گیرد، غرابت و شذوذ نظرگاه و نیز اتهام به غلو یا بدعت یا کفر را از بین می‌برد.

شاید در اینجا، ذکر برخی از این ابهامات یا اتهامات، به صورت فهرست‌وار، مناسب باشد:

۱. شیعه در باب صفات خدا، به نفی (و ابطال و تعطیل) معتقد است؛

۲. رجعت شیعی نوعی تناسخ است؛

۳. باور به علم غیب امامان شیعه، غلو^۳ است؛

۴. باور به عصمت امامان شیعه، غلو^۳ است؛

۵. مرجعیت نهایی امام در شیعه، مستلزم قائل شدن به ارتباط وحیانی امامان شیعه و حق تشریع برای آنهاست؛

۶. امامت شیعی (و امتداد آن، ولایت فقیه در نظر قائلان به آن) در عرصه سیاسی با مردمسالاری سازگار نیست؛

۷. امامت شیعی منزلتی هم طراز با نبوت و گاه برتر از آن دارد؛

۸. تلقی شیعه از غدیر خم، به تکفیر یا تفسیق اکثریت مطلق مسلمانان حاضر در آن عرصه که بعدها به خلافت ابوبکر تن دادند، می انجامد؛

۹. باور به اصل اعتقادی بودن امامت، به تکفیر هم مخالفان مدهبی می انجامد؛

۱۰. تلقی شیعیان از عاشورای حسینی و از شعائر حسینی، جبهه بندی بین شیعه و سنی است، یعنی گویا تقابل سال ۶۱ هجری بین شیعه و سنی صورت گرفته است و شیعیان، اهل سنت را امتداد جبهه مقابل سیدالشهداء می دانند

به این فهرست، همچنان می توان موارد دیگری را افزود. در همه یا اغلب این موارد، ظاهر تشیع یا سیر شیعیان به گونه ای بوده که زمینه ساز این نسبت هایی شده که هرکدام از آنها وقتی بر تود مسلمانان عرضه شود، به راحتی، حکم به بدعت و غلو می کنند. راه حل ما در این موارد، ارائه تفاسیر درست و دقیق یا برجسته کردن تفسیرهایی است که چه بسا در شیعه مهجور باشند، اما کاملاً در چارچوب تفکر شیعی هستند و می توانند غرابت زدایی کنند.

صاحب این قلم در سال های اخیر، در سه عرصه از عرصه های فوق (تحت عنوان «جایگاه اعتقادی امامت در

تشیع»، «مرجعیت علمی امام» و «تفسیر تقریبی از عاشورا»، کوشیده تفاسیری مقبول به‌دست دهد، بدون آن‌که از مبانی و مواضع اتفاقی شیعه، تنازل کند یا منکر اختلافات جدی بین تشیع و تسنن در این زمینه‌ها بشود.

منبع: مصاحبه حجت الاسلام شریعتمداری با روابط عمومی دانشگاه ادیان